

# روابط روسیه و اسرائیل در پرتو نقش منطقه‌ای ایران

جواد شعرباف\*

هاجر جریست\*\*

## چکیده

با روی کار آمدن پوتین در سال ۲۰۰۰ م. و اتخاذ سیاست موازنه‌سازی میان بازیگران بین‌المللی، سیاست خارجی روسیه در قبال کشورهای خاورمیانه تغییر کرد. در همین راستا روابط روسیه با اسرائیل نیز دچار تحول و چرخش قابل توجهی شد. این دو با اتخاذ سیاست عمل‌گرایانه مبتنی بر منفعت، پس از چهل سال، تلاش نموده‌اند سطح و عمق روابط خود را نسبت به گذشته توسعه دهند. این نوشتار تلاش دارد با نگاه واقع‌گرایانه و با روش کتابخانه‌ای به این پرسش پاسخ دهد که «روابط روسیه و اسرائیل در دوران ریاست جمهوری "پوتین" چگونه تغییر کرده است و تأثیر ایران بر این روابط چگونه بوده است؟» فرضیه پژوهش این گونه بوده است که روسیه و اسرائیل با تغییر سیاست و تحت تأثیر شرایط بین‌الملل روابط گسترده‌ای را در ابعاد مختلف تجربه می‌کنند. بررسی روابط روسیه و اسرائیل نشان می‌دهد روابط این دو ضعیف، اما رو به افزایش است. روابط تجاری محدود به تجارت مواد اولیه است و تجارت کالاهای مبتنی بر تکنولوژی به دلیل الگوی سیاست خارجی اسرائیل به صورت محدودی انجام می‌شود. روابط نظامی نیز به دلیل وابستگی شدید صنایع نظامی اسرائیل به آمریکا ضعیف‌ترین رابطه بین اسرائیل و روسیه است. با وجود موضوعات مهم استراتژیک همچون مسئله ایران و خاورمیانه، و روابط استراتژیک اسرائیل و آمریکا که مانع گسترش روابط آنها می‌شود، طرفین در جهت تقویت روابط تلاش می‌کنند.

**واژه‌های کلیدی:** روسیه، اسرائیل، ایران، خاورمیانه، روابط دوجانبه

---

\* استادیار و مدیر گروه مطالعات روسیه. دانشکده مطالعات جهان. دانشگاه تهران. تهران؛

sharbfaf@ut.ac.ir

\*\* کارشناسی ارشد مطالعات روسیه. گروه مطالعات روسیه، قفقاز و آسیای میانه. دانشکده مطالعات جهان.

hjarast@ut.ac.ir

دانشگاه تهران. تهران؛

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۲۹

فصلنامه روابط خارجی، سال یازدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۸، صص ۱۷۰-۱۴۳

## مقدمه

در سال‌های ابتدایی پس از فروپاشی، روسیه برای مدت طولانی از پتانسیل توسعه رابطه با کشورهای خاورمیانه غافل شد و نتوانست جایگاه خود را در خاورمیانه به سان گذشته، احیا کند. اما با روی کار آمدن پوتین در سال ۲۰۰۰ م. و اتخاذ سیاست موازنه‌سازی میان بازیگران بین‌المللی، سیاست خارجی روسیه در قبال کشورهای این منطقه به طرز محسوسی تغییر کرد. در همین راستا روابط روسیه با اسرائیل نیز دچار تحول و چرخش قابل توجهی شد و روسیه و اسرائیل بعد از حدود چهل سال تلاش به گسترش روابط کردند. عوامل مختلفی همچون عدم انتقاد اسرائیل از اقدامات «کرمین» در چین و اوکراین، عدم پیوستن اسرائیل به تحریم‌های غرب علیه روسیه و توسعه روابط تجاری \_ اقتصادی در خاورمیانه باعث سوق دادن پوتین به گسترش رابطه با اسرائیل به‌خصوص در سال‌های اولیه ریاست جمهوری وی شدند.

رابطه فدراسیون روسیه و اسرائیل همراه با تکامل سیاست‌های استراتژیک هر دو در طول دوران پس از جنگ سرد، به تدریج تکامل یافته است. با توجه به اتخاذ سیاست واقع‌گرایی، این روابط عمدتاً تابعی از منافع و به میزان بسیار کمی مبتنی بر ارزش‌ها و تاریخ مشترک بوده است. منافع این دو به‌ندرت یکسان، اما اغلب با یکدیگر هماهنگ بوده است. با وجود گسترش روابط مسکو و تل‌آویو در ابعاد گوناگون دیپلماتیک، اقتصادی و تکنولوژیکی، در سال‌های بعد این روابط با پیچیدگی‌های بسیاری همراه شده است. از یک‌سو روسیه به‌عنوان یک وزنه ضد سیاست‌های مداخله‌گرایانه غرب در خاورمیانه، به دنبال تضعیف نهادهای غربی در

این منطقه است و از سوی دیگر اسرائیل به‌طور کامل در جبهه غربی به‌سر می‌برد. اقدامات روسیه در اوکراین، کمک‌های نظامی و هسته‌ای به ایران و حضور نظامی این کشور در خاورمیانه در پی بحران سوریه روابط این دو را پیچیده‌تر کرده است. بررسی این روابط و تجزیه و تحلیل سطح و عمق مناسبات روسیه و اسرائیل پس از سال ۲۰۰۰م. در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد. این مقاله بر این فرض استوار است که روابط این دو در میان‌مدت با وجود موانع و اختلاف‌نظرهای بسیار، به تدریج رو به گسترش است.

### پیشینه پژوهش

با توجه به اهمیت روابط روسیه و اسرائیل برای ایران، تاکنون آثار متعددی در این زمینه نگاشته شده است؛ یکی از این آثار مقاله ارزشمند «توسعه روابط فدراسیون روسیه و اسرائیل (با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران)» (۱۳۸۱) نوشته الهه کولایی است که روابط اسرائیل و روسیه را از زمان شکل‌گیری اسرائیل در زمان شوروی با تفکیک ابعاد مختلف این رابطه بررسی کرده است. اگرچه این مقاله اطلاعات خوبی در اختیار مخاطب قرار می‌دهد، داده‌های آن مربوط به دست‌کم دو دهه قبل است و در باب تحولات جدید روابط، مطلب قابل ارائه‌ای ندارد. حامد موسوی و امین نائینی در مقاله «توسعه روابط روسیه - اسرائیل و تأثیر آن بر منافع ایران» (۱۳۹۸) این رابطه را مبتنی بر سیاست خارجی روسیه به‌خصوص در دوره پوتین و تأثیر آن بر منافع ایران تحلیل کرده است. در میان نویسندگان روس زبان، «نیکلای کوژانف» در طرح تحقیقاتی «سیاست روسیه در خاورمیانه؛ انگیزه‌ها و روش‌ها» (۲۰۱۸) به‌طور جامع دلایل و انگیزه‌های روسیه برای حضور در خاورمیانه و رابطه با اسرائیل را شرح داده است. این تحقیق البته از منظر روسیه و تفوق مسکو در تعامل با تهران و تل‌آویو نوشته شده است. یکی از ابعاد رابطه روسیه و اسرائیل مسائل نظامی و صنایع مرتبط با آن می‌باشد که واحد تحقیقات "ناتو" در تحقیقی با عنوان «کلید درک روابط روسیه و اسرائیل» (۲۰۰۸) به روابط روسیه و اسرائیل از بُعد نظامی و مسائل تأثیرگذار بر این رابطه به‌خصوص مسئله هسته‌ای ایران پرداخته است. با توجه به اینکه این تحقیق مربوط به سال ۲۰۰۸ و

با تمرکز بر مسائل نظامی بوده، کمتر به ابعاد دیگر روابط پرداخته است. در همین راستا مطالب دیگری نیز از سایر نویسندگان در این حوزه تولید شده است. به عنوان مثال در بحث تبادلات تجاری و فناوری مقالات مختلفی نگاشته شده است. فرشاد رومی در مقاله «چشم‌اندازی بر راهبردی شدن روابط روسیه و رژیم صهیونیستی در دوره پوتین (با نگاه به منافع جمهوری اسلامی ایران)» (۱۳۹۶) با رویکرد کارکردگرایانه به بررسی این روابط از جنبه‌های مختلف پرداخته است، اما وی با استناد به مقالات مندرج در رسانه‌های روسی و تفاهم‌نامه‌های امضا شده بین روسیه و اسرائیل، سطح روابط اقتصادی و فنی این دو را بسیار خوب و آنها را شریک اقتصادی مهم در نظر گرفته است. در حالی که از جمله مسائل مهم و حل نشده بین روسیه و اسرائیل بحث تجارت تکنولوژی و کالاهای مبتنی بر فناوری است. «ماگن» و «کراسووا» در مطالعه‌ای با عنوان «موانع صادرات کالاهای مبتنی بر تکنولوژی‌های پیشرفته اسرائیل به روسیه» (۲۰۱۵) این مسئله را از ابعاد گوناگون بررسی کرده‌اند. دکتر «جاشووا کراسنا» در مقاله «اسرائیل و کشورهای خلیج؛ آنچه که تغییر کرده و آنچه که ثابت مانده» (۲۰۱۸) به معرفی زمینه‌های همکاری‌های روسیه با کشورهای خاورمیانه پرداخته است و در طرح مطالعاتی تحت عنوان «مسکو و مدیترانه، رابطه روسیه و اسرائیل» (۲۰۱۸) به طور جامع روابط اسرائیل و روسیه را از ابعاد مختلف و با استناد به گفتگوهای مستقیم بررسی کرده است. اما نکته حائز اهمیت در اکثر این تحقیقات توجه به رابطه اسرائیل و روسیه از نگاه کلی و مبتنی بر تعاملات جاری سیاسی است به گونه‌ای که کمتر به آمارها و جزئیات روابط به خصوص در ابعاد اقتصادی و تجاری پرداخته‌اند. در این مقاله، نگارندگان تلاش نموده‌اند با مراجعه به مراکز معتبر و مؤسسات تحقیقاتی شاخص، با تکیه بر داده‌های معتبر، آخرین اطلاعات موجود در زمینه این روابط به خصوص از بعد اقتصادی و نظامی را استخراج و در راستای فرض اصلی بحث، واکاوی نمایند.

## ۱. سیاست خارجی و امنیتی اسرائیل و روسیه

اسرائیل برخلاف میل مردم عرب فلسطین و کشورهای عربی تأسیس شد. از نظر

حقوق بین‌الملل، تقسیم فلسطین به دو بخش یهودی و عربی مطابق قطعنامه ۱۹۴۷ سازمان ملل محقق نشد و بنابراین جنگ با دولت جدید که بی‌توجه به توصیه و پیشنهاد سازمان ملل در سرزمین‌های فلسطینی اعلام موجودیت کرده بود، آغاز و سپس این کشور تحریم شد. با وجود این، اسرائیل از سال ۱۹۴۹، عضو سازمان ملل متحد است و با بیش از ۱۰۷ کشور دنیا روابط دیپلماتیک دارد (MFA, 2019).

«بردار سیاست خارجی اسرائیل از زمان تأسیس به‌طور فزاینده‌ای وابسته به سیاست‌های غرب است. این امر تا حدی در نتیجه موقعیت طبقه بورژوازی صهیونیستی و همچنین وابستگی عمیق اقتصادی، نظامی و سیاسی آمریکا، بریتانیا و فرانسه است. همسویی منافع محافل حاکم اسرائیل و قدرت‌ها باعث شده اسرائیل به پایگاهی برای غرب و ارزش‌های غربی و استعمار نو<sup>۱</sup> در خاورمیانه تبدیل شود. این سیاست در درجه اول علیه کشورها و جنبش‌های آزادی‌بخش فعال علیه سلطه آمریکا در کشورهای اطراف اسرائیل بوده است» (Iserman, 1966: 2).

در مقیاس جهانی، اسرائیل به منظور تثبیت جایگاه خود در عرصه بین‌الملل، هدف سیاست خارجی خود را دستیابی به حداکثر تنوع در روابط دیپلماتیک قرار داده است (Goldberg, 1991: 1). علاوه بر این وابستگی شدید اسرائیل به آمریکا و بروز اختلافات بین دولت اسرائیل و آمریکا در دوره اوباما سیاست‌گذاران اسرائیلی را متوجه ساخت که سیاست اقتصادی و بین‌المللی اسرائیل به شدت غربی است و باید به آمریکا نشان دهد گزینه‌های دیگری را نیز در اختیار دارد. هرچند کاملاً واضح است که هیچ جایگزینی برای روابط استراتژیک آمریکا با اسرائیل وجود ندارد (Krasna, 2018b: 9). از این رو در دهه گذشته روابط مبتنی بر منافع مشترک در حوزه‌های مختلف خود را با قدرت‌های بزرگ همچون چین، هند و برزیل و به‌خصوص با روسیه و اعراب به‌ویژه کشورهای خاورمیانه و حاشیه خلیج فارس گسترش داده است (Dentice, 2019: 2), (Lerman, 2018).

به‌طور سنتی امور خارجه و به‌ویژه موضوعات امنیتی همیشه به‌عنوان مهم‌ترین اولویت و حتی بالاتر از سیاست‌های اقتصادی در دستور کار ملی اسرائیل

قرار داشته است؛ به گونه‌ای که نتانیاهاو نام مستعار «آقای امنیت» را برای تأکید بیشتر بر نقش خود به‌عنوان ضامن امنیت ملی برگزیده است (France24, 2019). بررسی تاریخی «دکترین امنیتی اسرائیل» نشان از تغییرات زیادی بوده است که نقطه عطف این تغییرات جنگ ۱۹۷۳، بوده است. در دوره قبل از این جنگ، برنامه‌ریزان دفاعی اسرائیل، جنگ گسترده را بزرگ‌ترین تهدید اسرائیل قلمداد می‌کردند. تخصیص منابع در این دوره عمدتاً برای راه‌اندازی جنگ متعارف یعنی هوایمما، تانک، وسایل نقلیه زرهی و توپخانه متمرکز بوده است و بخشی کمی به حفاظت مرزی، تولید سلاح هسته‌ای اختصاص داشته است. افزایش تهدیدات جنگ غیرمتعارف به‌ویژه از زمان جنگ ۱۹۷۳، سبب شد در حالی که دولت اسرائیل همچنان بخش عمده‌ای از منابع خود را به آماده‌سازی برای جنگ متعارف سرمایه‌گذاری کند، منابع بیشتری را به جنگ‌های غیر متعارف مانند تشکیل واحدهای عملیات ویژه برای درگیری‌های کم‌شدت اختصاص دهد. علاوه بر این با بالا رفتن تهدید سلاح‌های کشتار جمعی از سوی کشورهای عربی به‌ویژه مصر، اسرائیل را برآن داشت به ساخت یک زرادخانه هسته‌ای بزرگ و کلاهک‌های هسته‌ای روی آورد. علاوه بر این ارتش اسرائیل در سال ۱۹۹۰، مبادرت به تشکیل «فرماندهی استراتژیک» برای مدیریت مأموریت‌های دور از مرز برای مبارزه با سلاح‌های کشتار جمعی کرد. در این میان اسرائیل پس از جنگ خلیج فارس توجه ویژه‌ای به پدافند غیرعامل برای مبارزه با تهدیدهای نامتعارف داشته است (Rodman, 2011).

از سوی دیگر، بررسی اسناد سیاست خارجی و امنیتی روسیه نشان می‌دهد کسب و حفظ قدرت جهانی و تلاش برای تبدیل روسیه به‌عنوان مرکز جهان و تأثیرگذاری این کشور بر اتفاقات جهان، موضوعی است که در تمام دوره‌ها در دستور کار کرملین بوده است. مسکو دائماً در تمامی موضوعات مهم استراتژیک بین‌المللی مدعی نقش بوده و هرگز محدودیت اختیارات خود در امور منطقه‌ای را نپذیرفته است؛ این امر از هویت ارتدکس روسیه، موقعیت جغرافیایی در بین اروپا

و آسیا، وسعت قلمرو و وجود حس نوستالژیک دوران جنگ سرد ناشی می‌شود. مقامات روسی همواره بر «مسئولیت ویژه» ای که کشورشان به‌عنوان یکی از قدرت‌های بزرگ هسته‌ای در امور امنیتی جهان با آمریکا به اشتراک می‌گذارد، نشان داده شده‌اند. این اسناد بر خطرناک، بی‌ثبات، بی‌نظم و رقابتی بودن صحنه بین‌الملل دلالت دارند. بر اساس این اسناد، روسیه معتقد است دنیای چندقطبی جدیدی در حال شکل‌گیری است که منجر به بی‌ثباتی منطقه‌ای و جهانی خواهد شد. همچنین آنها معتقدند این کشور در تمام جهات استراتژیک با تهدیدها و چالش‌هایی از سوی دیگر کشورها مواجه است (FACON, 2017).

علاوه بر این حفظ نفوذ روسیه در فضای پسا شوروی همچنان اولویت اول سیاست خارجی این کشور است. این نشان‌دهنده تمایل ریشه‌دار روسیه برای کنترل نظامی و سیاسی کشورهای همسایه است. از این دیدگاه چنین کنترلی به‌عنوان کلیدی است که روسیه خود را به‌عنوان یکی از «مراکز نفوذ» در جهان معرفی کند. و فرایندهای ادغام در فضای پسا شوروی بردار مهمی برای دستیابی به این اهداف است (سند تدبیر سیاست خارجی روسیه، ۲۰۱۶).

## ۲. روابط روسیه و اسرائیل

نقش شوروی در تشکیل اسرائیل به سال‌های پس از جنگ جهانی باز می‌گردد. «روابط شوروی و اسرائیل در این دوران را می‌توان در چهارچوب نظام دو قطبی حاکم بر جهان و تضاد دائمی دو نظام سرمایه‌داری به رهبری آمریکا و سوسیالیسم به رهبری شوروی بررسی نمود.

در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷، اتحاد جماهیر شوروی با هدف مقابله با سیاست‌های انگلیس از طرح تصویب شده مجمع عمومی سازمان ملل در مورد تشکیل دو کشور مستقل در فلسطین حمایت کرد و بدین ترتیب به ظاهر شدن کشور اسرائیل در نقشه جهان کمک کرد. رهبران کمونیستی اتحاد جماهیر شوروی و رهبران اسرائیل، روابطی دوستانه مبتنی بر اعتماد دوسویه را با یکدیگر در پیش گرفتند. شوروی پس از اعلام تشکیل کشور اسرائیل در ۱۵ می ۱۹۴۸، اولین کشوری بود که آن را به رسمیت شناخت و روابط دیپلماتیک با آن برقرار کرد (Носенко, 2016: 22-23). اما

پس از آن اتحاد جماهیر شوروی برای بیش از چهل سال حامی فلسطینیان و نهضت آزادی بخش فلسطین و سایر اعراب بود. شوروی همچنین به نوبه خود تهدیدی برای امنیت ملی اسرائیل به حساب می‌آمد. دو کشور در سال ۱۹۷۰، در جریان «عملیات قفقاز» شوروی، در جنگ فرسایشی با مصر به‌طور نظامی با یکدیگر درگیر شدند (Daigle, 2012: 10). بنابراین پیشرفت روابط دوجانبه از سال ۱۹۹۱ و به‌خصوص از زمانی که ولادیمیر پوتین مسئولیت را به عهده گرفت نشان دهنده پیشرفت و چرخش چشمگیری بوده است (Krasna, 2018b: 9).

رابطه فدراسیون روسیه و اسرائیل همراه با تکامل سیاست‌های استراتژیک هردو در دوران پس از جنگ سرد، تکامل یافته است. با توجه به سیاست مبتنی بر واقع‌گرایی، این روابط عمدتاً تابعی از منافع و به میزان بسیار کمی مبتنی بر ارزش‌ها و تاریخ مشترک دو کشور بوده است. منافع این دو به ندرت یکسان و همسو بوده است، اما اغلب با یکدیگر و در عین اختلاف دیدگاه و مواضع رایزنی می‌کرده‌اند و کوشیده‌اند سوگیری روابط حتی‌المقدور خصمانه نباشد. در مواقع بحرانی نیز طرفین، با درک متقابل، تلاش قابل توجهی برای کاهش اختلافات کرده‌اند (Krasna, 2018b: 6).

در سال‌های اخیر، روسیه نه تنها پیوند خود با کشورهای مهم منطقه را محکم‌تر کرده است که توانسته نقش مهمی در رفع اختلافات بین آنها داشته باشد. به‌گونه‌ای که برخلاف آمریکا با برقراری ارتباط با تقریباً تمامی بازیگران اصلی خاورمیانه، توانسته خود را به‌عنوان یک «واسطه ضروری» نشان دهد. رابطه این کشور با اسرائیل یک اهرم موازنه‌ساز در مقابل ایران و کشورهای عربی است. روسیه می‌تواند از نفوذ خود برای مهار اسرائیل و کاستن تنش‌ها استفاده کند و از آنجایی که بازیگران منطقه‌ای روابط نزدیک روسیه با اسرائیل را مبتنی بر منافع می‌دانند نه مبتنی بر ایدئولوژی، مانعی برای تقویت نقش روسیه در منطقه نمی‌شوند.

از زمان الحاق "کریمه" به روسیه، و واکنش جدی کشورهای غربی، اهمیت اسرائیل برای روسیه بیشتر شده است. از نظر روسیه، اسرائیل همچون یک شکاف



کوچک در دیوار مقاومت غرب در مقابل سیاست خارجی روسیه است. به واسطه رابطه نزدیک اسرائیل با روسیه و غرب، این دولت می‌تواند به‌عنوان یک پل ارتباطی و واسط برای کاستن از تنش بین دو طرف باشد. از نظر تحلیلگران روسی، رابطه نزدیک روسیه با اسرائیل و وجود اقلیتی یهودی در روسیه و مهم‌ترین اقلیت روسی در اسرائیل، به‌عنوان «انگشتی در چشم آمریکا» تلقی کردند (Krasna, 2018b: 8).

بررسی روابط روسیه و اسرائیل نشان می‌دهد اگرچه این دو در بسیاری از موضوعات برنامه‌های مختلفی را طی کرده‌اند، در واقع منافع آنها همیشه مخالف نبوده است. خیزش‌هایی که از سال ۲۰۱۱، جهان عرب را فرا گرفت سبب شد این دو خود را با یک چالش مشترک یعنی «اسلام رادیکال» روبه‌رو ببینند. در مورد سوریه، مسکو و تل‌آویو هر دو مخالف برکناری رژیم سوریه به جهت قدرت‌گیری نیروهای اسلام‌گرا بودند. در مورد مصر نیز این دو به دلیل نگرانی از روی کار آمدن «اخوان المسلمین» علناً در برابر انقلاب مصر ایستادند و با برکناری «حسنی مبارک» مخالفت کردند. همچنین در مورد ترکیه، روسیه کاملاً از تلاش‌های دولت عدالت و توسعه برای نفوذ بیشتر در خاورمیانه، بالکان، آسیای میانه و قفقاز و برهم‌خوردن توازن قدرت به نفع ترکیه نگران است. اسرائیل نیز کمابیش از همان دریچه به سیاست‌های دولت «اردوغان» نگاه می‌کند و نگران افزایش نفوذ منطقه‌ای ترکیه است (Kabalan, 2012) (Valdai Club, 2012).

به‌طور کلی انگیزه روسیه از رابطه با اسرائیل را چنین می‌توان برشمرد:

۱. علاقه پوتین به اسرائیل و یهودیان و اتخاذ سیاست ضد یهودستیزی، هرچند هنوز هم در جامعه وجود دارد، ولی او تمایل دارد از آن برای نیازهای داخلی خود استفاده کند.
۲. نخبگان روسی به توانمندی‌های نظامی، اقتصادی و تکنولوژیکی اسرائیل واقف هستند و می‌دانند ارتباط با اسرائیل کانال مطمئنی برای ارتباط غیر مستقیم با واشنگتن است.
۳. وجود حجم قابل توجه و نفوذ یهود در ارکان و ساختار سیاسی روسیه و

نیز حضور روس تبارها به عنوان مهم ترین و گسترده ترین اقلیت در اسرائیل که باعث گسترده شدن روابط تجاری و سرمایه گذاری خارجی می شود.

۴. اسرائیل به خطوط قرمز روسیه احترام می گذارد و از اقدامات تحریک آمیز در مقابل روسیه خودداری می کند و در صورتی که مجبور به انجام چنین اقدامی باشد با مسکو رایزنی می کند. برای نمونه اسرائیل به تحریم های غرب علیه روسیه نپیوست و از فروش اسلحه به اوکراین در سال ۲۰۱۴، خودداری کرد.

۵. مسکو می داند وقوع جنگ علیه اسرائیل، نتیجه نامطلوبی برای امنیت منطقه دارد و باعث بازگشت آمریکا به خاورمیانه با تمام قوا می شود؛ بنابراین مانع اقدامات تحریک آمیز در این جهت می شود.

۶. این باور وجود دارد مهاجرانی که در دهه هشتاد به اسرائیل مهاجرت کرده اند به تعبیری استمرار و دنباله مفهوم کلان «ملت روس» هستند و مسکو علاقه مند است این پیوند را حفظ کرده و آنچه را که اتحاد جماهیر شوروی با سیاست خود از دست داده را حفظ نماید.

برای سیاست خاورمیانه ای مسکو بسیار مهم است که بتواند با تمامی کشورهای منطقه به طور متعادل رابطه داشته باشد و هیچ گاه به طور مشخص مطابق با منافع یکی از طرفین شناخته نشود (Blank, 2018).

## ۲-۱. روابط سیاسی و دیپلماتیک

نزدیکی بسیار اسرائیل با آمریکا به عنوان بزرگ ترین دشمن روسیه از یک سو و همکاری روسیه با ایران به عنوان مهم ترین عامل بر ضد امنیت اسرائیل از سوی دیگر، باعث پیچیده شدن روابط روسیه و اسرائیل شده است؛ زیرا هر یک رابطه نزدیکی با دشمن دیگری دارند. روابط اسرائیل و روسیه با روی کار آمدن پوتین وارد مرحله جدیدی شده است و با وجود اختلافات بسیار، اقدامات مهمی در جهت بهبود روابط برداشته شده است.

یکی از معیارهای گسترش و نزدیکی روابط بین دو کشور، تعداد ملاقات ها و گفتگوهای مستقیم و مستمر رهبران آن دو کشور می باشد. روابط دیپلماتیک روسیه و اسرائیل از سال ۱۹۹۱، با تأسیس سفارت اسرائیل در مسکو و سفارت

روسیه در تل‌آویو مجدداً احیا شد؛ پس از آن گفتگوهای سیاسی فعال ادامه داشته است. مناسبات سیاسی بین روسیه و اسرائیل پس از روی کار آمدن پوتین، با سفر «موشه کاتسا» رئیس‌جمهور اسرائیل به مسکو از سال ۲۰۰۱، ادامه پیدا کرد. پس از آن مقامات سیاسی اسرائیل سفرهای متعدد دیگری به روسیه داشتند. پوتین در سال ۲۰۰۵، اولین سفر رسمی خود به اسرائیل را انجام داد این نخستین سفر رئیس‌جمهور فدراسیون روسیه به اسرائیل بود. بنیامین نتانیاهو بین سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۹، پانزده مرتبه از روسیه دیدار کرد. علاوه بر این، دیدارهای رسمی دیگر مقامات سیاسی به‌طور گسترده‌ای ادامه داشته است. ((РИА Новости, 2019) در طی این مراودات سیاسی بیست تفاهم‌نامه همکاری در زمینه‌های مختلف فنی، اقتصادی، تجاری، امنیتی و سیاسی منعقد شد و طرفین در جهت بهبود چهارچوب حقوقی همکاری‌های دوجانبه تلاش نمودند (МИД, 2019).

بحران چچن در روسیه و مبارزه با تروریسم اسلامی، به‌عنوان یک عامل مهم در نزدیکی روابط بین اسرائیل و روسیه بوده است. درحالی‌که رهبران کشورهای غربی نسبت به عملکرد روسیه در این منطقه انتقاد و یا سکوت کردند، «شارون» این اقدامات را ستود. وی چنین استدلال نمود که روسیه و اسرائیل هر دو مورد تهدید یک دشمن مشترک قرار گرفته‌اند (Katz, 2018: 104).

همچنین در پی بحران کریمه، عدم حضور اسرائیل در رأی‌گیری مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ماه مارس ۲۰۱۴، در محکوم کردن روسیه به بهانه اعتصاب کارکنان وزارت امور خارجه، دادن رأی ممتنع به حفظ تمامیت ارضی اوکراین و نپیوستن به تحریم‌های غرب علیه روسیه از جمله اقدامات اسرائیل در جهت بهبود روابط خود با روسیه بوده است. علی‌رغم خشم آمریکا از این اقدامات اسرائیل، مقامات این دولت معتقدند تقابل با روسیه برای امنیت اسرائیل خطرناک است (Ravid, 2014)؛ زیرا رابطه خوب و نزدیک با پوتین یک عامل مهم برای حفظ امنیت اسرائیل است. به گفته «اولنا مالدوسکی» دانشمند اسرائیلی اهل اوکراین، به نفع اسرائیل نیست که با روسیه بیگانه باشد؛ زیرا مسکو در مناطقی که اسرائیل دوست دارد تأثیرگذار باشد، به‌خصوص ایران، نفوذ دارد. بدیهی است

اسرائیل علاقه‌مند است از دستیابی ایران به قابلیت هسته‌ای جلوگیری کند و با وجود آنکه ایران بارها برنامه هسته‌ای خود را صلح‌آمیز اعلام کرده است، رهبران اسرائیل می‌خواهند که مسکو این امر را تضمین کرده و به نوعی امکان دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای را کنترل نماید که لازمه این امر داشتن یک کانال باز با روسیه است (Harris, 2014).

در بررسی علل بی‌طرفی اسرائیل در بحران کریمه، بایستی نقش وزیر امور خارجه وقت اسرائیل، «آویگدور لیبرمن» را در نظر گرفت. لیبرمن، که تا سال ۲۰۱۵، این سمت را به عهده داشت، یک روس‌تبار اسرائیلی است که رابطه بسیار نزدیکی با پوتین دارد. وی در اظهاراتی اعلام کرد «ما روابط خوب و قابل اعتمادی هم با آمریکا و هم با روسیه داریم و با توجه به تجربیات مثبت ما، من این ایده که اسرائیل مجبور است درگیر این مسئله شود را درک نمی‌کنم». این بیانات و هم‌تراز قرار دادن روابط اسرائیل با روسیه و آمریکا باعث خشم بیشتر کاخ سفید شد؛ زیرا آمریکا با توجه به پشتیبانی دائمی از اسرائیل در سازمان ملل و کمک‌های نظامی سالیانه به اسرائیل از یک‌طرف و کمک‌های نظامی روسیه به دشمنان اسرائیل از سوی دیگر، انتظار حمایت کامل اسرائیل را داشت. این معضل جدی دیپلماتیک در بحران کریمه باعث شد مقامات اسرائیل از نزدیک شدن بیشتر به مسکو و خشم بیشتر آمریکا جلوگیری کنند (Ravid, 2014).

از سوی دیگر روسیه نیز در موقعیت‌های گوناگون حامی اسرائیل بوده است. پوتین در اولین سفر خود به اسرائیل حمایت جدی خود برای امنیت کشور یهود را ابراز کرد (Krichevsky, 2005). در سال ۲۰۱۴، نه تنها از انتقاد علیه عملیات نظامی اسرائیل در غزه خودداری کرد که حتی با آن ابراز تفاهم کرد. همچنین با به رسمیت شناختن قدس غربی به‌عنوان پایتخت اسرائیل در آوریل ۲۰۱۷، روسیه ضمن اعلام اینکه پایتخت آینده فلسطین در شرق قدس خواهد بود، بیان داشت هیچ قصدی برای خارج کردن سفارتخانه خود از تل‌آویو ندارد (Krasna, 2018b: 14).

حضور روسیه در بحران سوریه باعث پیچیده‌تر شدن روابط اسرائیل و روسیه شد. مهم‌ترین مسأله برای اسرائیل در این بحران حضور ایران و حزب‌الله در

نزدیکی مرزهای اسرائیل بود. اسرائیل نمی‌خواست این دو بازیگر، قدرت غالب را در سوریه به دست آورند؛ زیرا در این صورت موقعیت مناسب‌تری برای حمله به اسرائیل به دست می‌آوردند. همین امر باعث گسترش سطح گفتگوهای پوتین و نتانیاهو و به تبع آن شکل‌گیری روابط نزدیک‌تر شد به گونه‌ای که مسکو مانع حمله اسرائیل به اهداف حزب‌الله در سوریه نشد. در واقع اکنون که مخالفان داخلی اسد در خاک این کشور شکست خورده‌اند، نه تنها رقابت بین مسکو و تهران برای نفوذ در دمشق افزایش یافته است، بلکه روسیه اعلام کرده است که از خواست اسرائیل برای خروج نیروهای ایرانی از جنوب سوریه حمایت می‌کند (Hiltermann, 2018).

با توجه به سیاست‌های جدید اسرائیل مبنی بر تنوع‌بخشی به روابط خارجی خود با دیگر کشورهای جهان و گسترده شدن روابط دیپلماتیک اسرائیل با کشورهای منطقه همچون عمان، قطر و بحرین در سال‌های اخیر از یک سو (Krasna, 2018a) و توجه روسیه به کشورهای خاورمیانه و حاشیه خلیج فارس باعث شده علاوه بر سوریه، مناطق دیگری وجود داشته باشد که منافع روسیه و اسرائیل با یکدیگر همخوانی داشته و یا با یکدیگر درگیری نداشته باشند. هر دو از سرنگونی محمد مرسی، رئیس‌جمهور منتخب اخوان المسلمین توسط «عبدالفتاح السیسی»، رهبر نظامی مصر در سال ۲۰۱۳، استقبال کردند. روسیه و اسرائیل هر دو با عربستان سعودی و امارات متحده عربی همکاری دارند (Katz, 2018: 106).

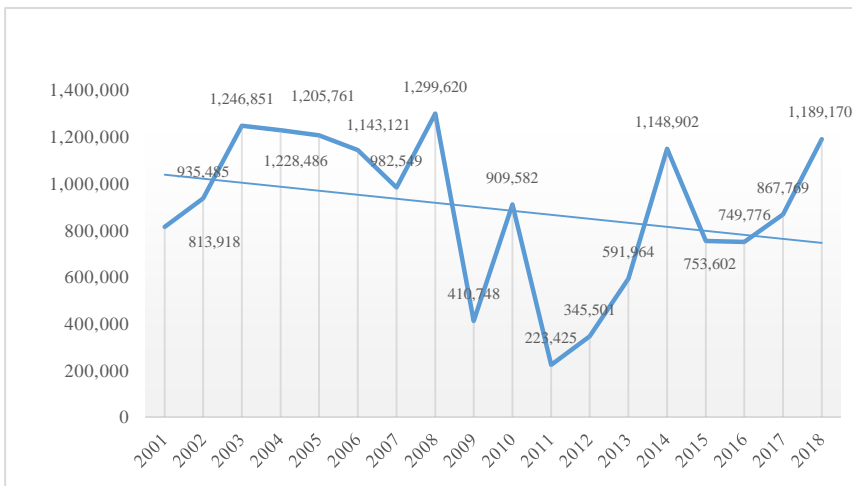
مسکو همچنان به انتقاد از اسرائیل برای رفتار با فلسطینی‌ها ادامه می‌دهد، اما تاکنون پوتین از فلسطینی‌ها حمایت مادی نکرده است که به آنها امکان دهد اسرائیل را به چالش بکشند. بنابراین، علی‌رغم اینکه هر یک از نزدیک با بزرگ‌ترین دشمن طرف مقابل همکاری می‌کنند، روسیه و اسرائیل روابط متقابل محکمی را بر اساس منافع مشترک و تمایل متقابل برای پیگیری آنها با وجود اختلافاتشان برقرار کرده‌اند (Katz, 2018: 106).

## ۲-۲. روابط اقتصادی و فنی

از سرگیری روابط دیپلماتیک و مهاجرت گسترده یهودیان روسیه به اسرائیل در

سال‌های اولیه پس از فروپاشی، منجر به آغاز روابط اقتصادی و فنی رو به رشد بین اسرائیل و روسیه شد. مهم‌ترین مسئله در آن زمان همکاری در حوزه‌های تجاری و فناوری بود، از این‌رو در همان سال‌های ابتدایی توافق‌نامه‌هایی در حوزه فناوری همچون: قرارداد همکاری علمی \_ فنی ۱۹۹۲، قرارداد همکاری‌های علمی و فناوری ۱۹۹۴، قرارداد همکاری در حوزه علوم پزشکی ۱۹۹۴ و علوم کشاورزی ۱۹۹۴ بین روسیه و اسرائیل بسته شد. علاوه بر این توافق تجارت و همکاری‌های اقتصادی ۱۹۹۴، منعقد شد (МИД, 2019). در سال‌های بعد قرارداد همکاری در حوزه‌های جدیدتر فناوری همچون تحقیقات فضایی ۲۰۱۱، فناوری هسته‌ای ۲۰۱۳ و فناوری نانو ۲۰۱۶، منعقد شد. نمودار ۱، تراز تجارت بین روسیه و اسرائیل را از سال ۲۰۰۱ تا سال ۲۰۱۸ نشان می‌دهد.

نمودار ۱. تراز تجاری روسیه و اسرائیل در سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۱۸ (واحد: هزار دلار)



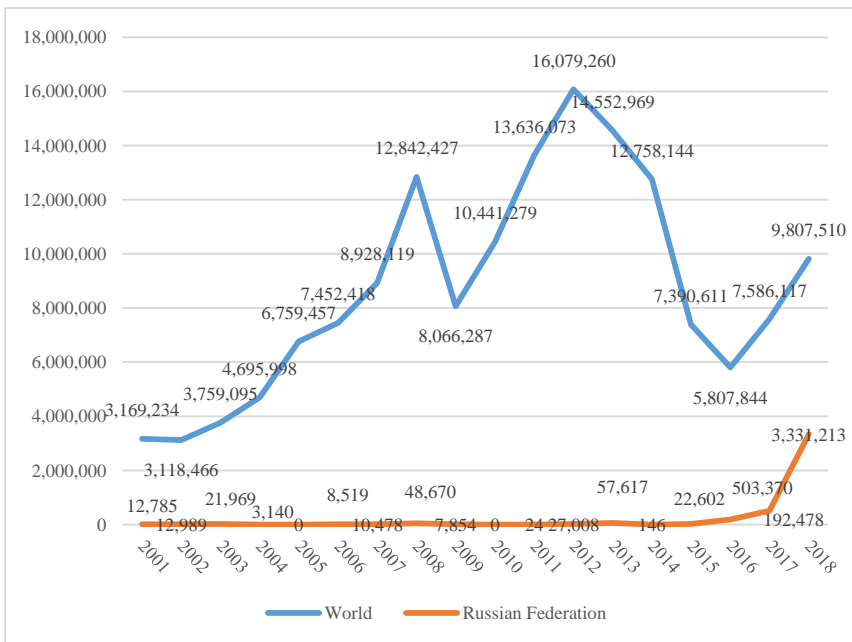
Source: trademap.org

خط روند تراز تجاری در این نمودار بیانگر روند منفی در این بازه زمانی می‌باشد. سهم روسیه در تجارت اسرائیل حدود ۳٫۲ درصد و سهم اسرائیل در تجارت روسیه نزدیک به صفر می‌باشد (Trademap, 2020). سطح تجارت در بهترین حالت حدود یک میلیارد و سیصد میلیون دلار در سال ۲۰۰۸، به واسطه حضور لیبرمن و یک شورای اقتصادی اسرائیلی \_ روسی بوده است (RAZOUX, 2008: 4). اما از

سال ۲۰۱۱، با برقراری روابط دیپلماتیک قوی‌تر بین روسیه و اسرائیل، روابط تجاری نیز روند رو به رشدی را تجربه کرد.

علی‌رغم این رابطه اقتصادی ضعیف، به دلیل خنثی کردن اثر تحریم‌های غرب، اسرائیل برای اقتصاد سیاسی روسیه مهم است؛ زیرا اسرائیل به‌عنوان یکی از نزدیک‌ترین متحدان غرب از این نظر که هیچ‌گونه محدودیتی بر روابط اقتصادی دوجانبه نداشته و از اعمال تحریم‌های شخصی بر شهروندان روسی اجتناب کرده است بی‌نظیر است، (Krasna, 2018b: 14). با وجود فشارها و تحریم‌های غرب، اسرائیل مذاکراتی را برای انعقاد توافق‌نامه در زمینه تجارت آزاد با اتحادیه اقتصادی اوراسیا متشکل از پنج کشور روسیه، قزاقستان، بلاروس، قرقیزستان و ارمنستان در آوریل ۲۰۱۸، آغاز نموده است. (EAEC, 2018: 80-81).

نمودار ۲. میزان واردات سوخت‌های معدنی و نفت اسرائیل از جهان و روسیه



Source: trademap.org

عمده کالاهای صادراتی اسرائیل به روسیه در بخش محصولات و تجهیزات کشاورزی بوده است که یکی از دلایل آن اقدام تلافی‌جویانه روسیه در مقابل

تحریم‌های غرب مبنی بر کاهش واردات این دست کالاها از اروپا بوده است که در نتیجه آن روسیه برای تهیه مایحتاج خود متمایل به اسرائیل شد. مهم‌ترین کالاهای تجاری اسرائیل عبارتند از: سبزیجات و مغزها، ژنراتورهای برقی و تجهیزات اپتیکی (اتاق بازرگانی تهران، ۱۳۹۸) و (Trademap, 2020).

با بررسی محصولات صادراتی روسیه به اسرائیل مشخص می‌شود عمده صادرات روسیه مبتنی بر مواد خام است و صادرات محصولات مبتنی بر تکنولوژی‌های پیشرفته به دلیل مسائل سیاسی و اقتصادی با مانع جدی مواجه هستند. علت این امر به اولویت سیاست خارجی اسرائیل برمی‌گردد. اصول این سیاست در همان سال‌های ابتدایی تشکیل اسرائیل و روابط خاص با آمریکا شکل گرفت که مبنای آن یکی توافق‌نامه تجارت آزاد بین آمریکا و اسرائیل در سال ۱۹۸۵ (که به موجب آن شرکت‌های آمریکایی در زمینه ساخت و تجهیز زیرساخت‌های مهم شهری همچون مدیریت فرودگاه، راه‌آهن و بنادر مشارکت داشتند) و دیگری «تفاهم‌نامه همکاری در زمینه تحقیق و توسعه، تبادل دانشمندان پشتیبانی لجستیکی تجهیزات دفاعی» ۱۹۸۷ (که به موجب آن امکان مشارکت تأمین‌کنندگان آمریکایی در مناقصات خرید اسلحه و فناوری‌های دفاعی اسرائیل را فراهم می‌کند) است. اسرائیل از لحاظ تأمین سیستم‌های دفاعی، محصولات نظامی و محصولات مبتنی بر تکنولوژی کاملاً به آمریکا وابسته است. همچنین با توجه به توافق‌های جبرانی، آمریکا بازارهای بزرگی برای فروش محصولات مبتنی بر تکنولوژی تولید شده توسط شرکت‌های اسرائیلی فراهم می‌کند.

مانع اساسی دیگر، کمک هزینه‌ای است که آمریکا به کشورهای دیگر برای خرید تجهیزات نظامی از اسرائیل می‌دهد. آمریکا به دیگر کشورها اجازه داده است برای خرید اسلحه ساخت اسرائیل از کمک‌های نظامی آمریکا استفاده کنند. این کمک‌هزینه در عین حالی که باعث رشد صنایع نظامی اسرائیل می‌شود، باعث کاهش رقابت سایر کشورها از جمله روسیه در بازار اسرائیل شده است (Magen & Karasova, 2015: 68-69).

از دیگر عوامل، اختلاف بین منافع روسیه و اسرائیل در بازارهای جهانی



است. اسرائیل به‌طور معمول در بازار مصرف‌کنندگان سنتی محصولات نظامی روسیه مانند هند، جنوب شرقی و آمریکای لاتین بازیگر فعالی بوده است که در این بین پیچیده‌ترین شرایط در هند، شریک دیرینه روسیه در زمینه فناوری موشکی، به وجود آمده است. اسرائیل در سال‌های اخیر به توانایی بسیار خوبی در زمینه تولید سیستم‌های موشکی که به‌طور سنتی در انحصار روسیه بوده است دست یافته است (Magen & Karasova, 2015: 71).

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های رابطه اقتصادی روسیه و اسرائیل، صنعت توریسم می‌باشد. اگرچه در سال‌های مختلف و به دلایل متفاوت همچون بحران اقتصادی روسیه و بحران‌های بین‌المللی میزان مسافرت گردشگران روسیه به اسرائیل متغیر بوده است، به‌طور کلی بعد از آمریکا، روسیه مهم‌ترین منبع گردشگری اسرائیل به حساب می‌آید (Israel Ministry of Tourism, 2019).

یکی از حوزه‌های همکاری‌های اقتصادی بالقوه، همچنین یک عامل تنش احتمالی، بین روسیه و اسرائیل، تولید گاز در مدیترانه شرقی است. اسرائیل از ابتدای تشکیل به شدت به منابع انرژی خارجی وابسته بوده و تا سال ۲۰۰۴، هیچ منبع تجاری نفت و گاز طبیعی نداشت. مهم‌ترین منبع اسرائیل در بخش گاز طبیعی سوئیس، مصر، ترکیه، روسیه، اسپانیا و ایتالیا هستند (Trademap, 2019). با کشف دو میدان گازی بزرگ «لویاتان» و «تامار» در شرق دریای مدیترانه بین سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰، اسرائیل به منبع بزرگی از گاز مایع دست یافت. پس از آن دولت اسرائیل مبنای سیاست انرژی خود را بر این اکتشافات بنا نهاد و با عضویت در مجامع رسمی و غیررسمی بین‌المللی تلاش کرد حضور خود را به‌عنوان یک بازیگر قدرتمند جدید جهانی و در راستای تقویت وضعیت خود در خاورمیانه پررنگ کند (Dentice, 2019: 3). در این بین روسیه تلاش نمود در مراحل مختلف استخراج، فرآوری و انتقال گاز اسرائیل مشارکت داشته باشد که در همین راستا شرکت روسی «گازپروم» به‌عنوان یکی از مهم‌ترین سهام‌داران میدان گازی «لویاتان» فعالیت خود را آغاز کرد (Nurieva, 2017: 116). با این حال مشخص نیست دستیابی اسرائیل به گاز طبیعی زمینه همکاری بیشتر با روسیه را فراهم

می‌کند و یا عاملی برای ایجاد تنش با روسیه به‌عنوان بزرگ‌ترین دارنده ذخایر گاز طبیعی جهان می‌شود (Krasna, 2018b, 15).

توسعه روابط روسیه با رقبای منطقه‌ای اسرائیل به‌خصوص ایران نیز از جمله موانع تقویت این دست از همکاری‌ها است. از آنجا که اسرائیل ایران را به‌عنوان مهم‌ترین عامل بر ضد امنیت خود در منطقه می‌داند لذا بارها از همکاری بین روسیه و ایران ابراز ناخشنودی کرده است. علاوه بر این در سال‌های اخیر با ورود روسیه به مسئله بحران سوریه و کمک‌های نظامی به‌خصوص استقرار سامانه اس ۳۰۰ در سوریه (Alalamtv, 1398) باعث نگرانی بیشتر اسرائیل شد.

### ۲-۳. همکاری‌های نظامی

یکی از ضعیف‌ترین بخش‌های همکاری‌های بین اسرائیل و روسیه، بخش نظامی است. با توجه به وابستگی شدید نظامی اسرائیل به آمریکا و ساخت زیربنای نظامی اسرائیل بر مبنای ساختارهای آمریکایی، روابط نظامی آن با روسیه بسیار محدود بوده است. تاکنون هیچ تمرین مشترک نظامی بین این دو وجود نداشته و همکاری‌ها محدود به مشارکت در نمایشگاه یا مسابقات نظامی بوده است.

در زمینه تجارت تسلیحات نظامی نیز هم از نظر حجم و هم از نظر کیفیت بسیار ناچیز است. از آنجایی که روسیه دومین و اسرائیل هشتمین تولیدکننده و صادرکننده اسلحه در جهان می‌باشند؛ لذا زمینه رقابت این دو بیشتر از زمینه‌های همکاری آنها است. مهم‌ترین شرکای تجاری روسیه در زمینه اسلحه و تجهیزات نظامی عبارتند از افغانستان، چین، هند، یونان، مصر و ایران (SIPRI, 2019b). و مهم‌ترین شرکای اسرائیل عبارتند از هند، کلمبیا، شیلی، آفریقای جنوبی، آذربایجان، آمریکا، تایوان، سنگاپور، ترکیه و چین (SIPRI, 2019a).

طبق آمار مؤسسه بین‌المللی تحقیقات صلح استکهلم (سیپری)، اسرائیل هیچ واردات اسلحه‌ای از روسیه نداشته و روسیه نیز تنها در پی دو قرارداد نظامی در سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۱۰ به ارزش ۲۰۰ میلیون دلار و در سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۱۴ به ارزش ۳۰۰ میلیون دلار خرید تجهیزات نظامی از نوع پهادهای با برد کوتاه و متوسط از اسرائیل داشته است (SIPRI, 2019a). اسرائیل با قرارداد این تکنولوژی در اختیار

روسیه امیدوار بود روسیه از دادن سامانه S-300 به ایران امتناع کند. این پهبادها که در سال ۲۰۰۸، در جنگ روسیه و گرجستان توسط ارتش گرجستان استفاده شده بودند، توجه روسیه را جلب کرده بودند. روسیه با خرید و مونتاژ آنها امیدوار بود شکاف تکنولوژیکی آشکاری که در این زمینه دارد بپوشاند (Hilsman, 2019).

در سال ۲۰۱۵، پس از اعتراض روسیه به فروش پهباد اسرائیلی به اوکراین، قرارداد دیگری بین اسرائیل و روسیه برای فروش پهباد متعهد شد (Hilsman, 2019). اما با توجه به حساسیت آمریکا در خصوص تکنولوژی ساخت این پهبادها، این قرارداد هیچ‌گاه اجرایی نشد (Krasna, 2018b: 15).

مهم‌ترین مواجهه نظامی بین اسرائیل و روسیه پس از مداخله روسیه در بحران سوریه به وجود آمد و طی آن اسرائیل که نگران درگیری‌های ناخواسته هوایی بود راهکاری را برای هماهنگی بین فرماندهی نیروی هوایی روسیه و مرکز عملیات نیروی هوایی اسرائیل فراهم کرد. این سازوکار چیزی فراتر از ابزاری برای هماهنگی برای جدا کردن نیروها در هنگام عملیات نبود.

### ۳. ایران و روابط دوجانبه روسیه و اسرائیل

ایران و روسیه روابط پیچیده‌ای با یکدیگر دارند. این دو کشور در بسیاری از موضوعات مشترک مورد علاقه همکاری دارند؛ با این حال متحد استراتژیک و راهبردی نیستند. ایران نیرویی ضد غربی است، که کاملاً با منافع روسیه همخوانی دارد. اردوگاه ضد آمریکایی به رهبری ایران در خاورمیانه و با توجه به «دشمن دشمن من، دوست من است» باعث تقویت نفوذ روسیه در منطقه شده است. هرچند شکاف‌هایی در روابط روسیه و ایران وجود دارد، واقعیت این است که آنها با کنار گذاشتن اختلافات به نفع اهداف مشترک، در جهت تقویت روابط خود هستند (Krasna, 2018).

با وجود روابط مثبت بین تل‌آویو و مسکو، مسئله هسته‌ای ایران، همکاری با ایران در حمایت از سوریه و بشار اسد و نیز پذیرش همکاری سه‌جانبه عملیاتی با حزب الله لبنان و ایران، دلایل عمده اختلاف بین روسیه و اسرائیل هستند. بدون شک برهم خوردن تعادل هسته‌ای که تا پیش از این در خاورمیانه حاکم بود

می‌تواند آینده روابط روسیه و اسرائیل را به چالش بکشد.

در دوره‌های تشکیل فدراسیون روسیه، رهبران این کشور همچون همتایان آمریکایی خود، سیاستی را برای جلوگیری از گسترش قدرت هسته‌ای به‌ویژه در منطقه‌ی بی‌ثباتی همچون خاورمیانه در پیش گرفته بودند که این رویکرد مطابق خواست و اراده اسرائیل بود؛ زیرا یکی از اولویت‌های اصلی تمامی دولت‌های اسرائیل جلوگیری از نصب زرادخانه هسته‌ای رقیب در خاورمیانه بوده است تا انحصار هسته‌ای اسرائیل در منطقه حفظ شود و کارایی استراتژی بازدارندگی آن افزایش یابد (RAZOUX, 2008: 7).

اما به‌نظر می‌رسد روسیه در دوره‌های اخیر از این سیاست فاصله گرفته است و قراردادهای احداث نیروگاه‌های هسته‌ای با برخی کشورهای منطقه همچون مصر، قطر، اردن، عربستان، امارات، ترکیه و الجزایر منعقد کرده است (Giuli, 2017: 3) اما همچنان دغدغه جدی اسرائیل، مسئله همکاری کرملین با تهران و تأیید مجدد حق ایران برای داشتن انرژی هسته‌ای است. تل‌آویو نگران است در صورت دستیابی ایران به بمب اتمی، کشورهای عربی مانند مصر و عربستان سعودی برای دستیابی به توانایی‌های هسته‌ای تشویق شوند. به‌گونه‌ای که برخی از مقامات اسرائیل این بازی دوگانه مسکو را محکوم کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که رابطه با روسیه یک بازی احمقانه است، اما این نگرش همچنان در اقلیت قرار دارد و اسرائیل در رابطه نزدیک با مسکو مزیت‌های بسیاری را می‌بیند حتی اگر در عدم همکاری برای جلوگیری از توسعه برنامه هسته‌ای ایران متهم باشد (RAZOUX, 2008: 8).

از سوی دیگر برای بررسی رویکرد روسیه در این مسئله باید مجدد به بررسی سیاست خارجی این کشور به‌خصوص در قبال خاورمیانه و قدرت آن در این منطقه پرداخت. روسیه در خارج از مرزهای خود از لحاظ نظامی و دیپلماتیک در راستای دستیابی به هدف اصلی خود یعنی تبدیل شدن به یک قدرت بزرگ بین‌المللی گام برمی‌دارد و رسیدن به این هدف فراتر از روابط دوجانبه و یا حتی منطقه‌ای است. این رهیافت همراه با رویکرد واقع‌گرایانه در خاورمیانه به‌خوبی

هدایت می‌شود.

سیاست خارجی روسیه در دهه‌های گذشته مبتنی بر برقراری تعادل در ایجاد رابطه با تمامی کشورها و بازیگران منطقه و عدم حمایت یک‌سویه و دائمی از یک کشور یا گروه خاص بوده است؛ البته روسیه در این منطقه باید با محدودیت‌های زیادی مقابله کند. این کشور قدرت غالب منطقه و حاکم بر امنیت شناخته شده آن نیست و بنیادهای اقتصادی و مالی سیاست خارجی این کشور به‌طور کلی و به‌طور خاص در خاورمیانه، هنوز برای کشوری که خود را در آینده به‌عنوان یک قدرت بزرگ تصور می‌کند، ناکافی است؛ لذا در صورت تشدید تنش‌ها بین اسرائیل و ایران که ممکن است منجر به حملات هوایی و موشکی شود، احتمالاً روسیه مجبور به محدود کردن رابطه خود هم با اسرائیل و هم ایران شود. و تلاش‌های فعلی مسکو نیز دقیقاً با هدف جلوگیری از بروز چنین وضعیتی و کمک به ایجاد آرامش، توازن و بازدارندگی متقابل بین ایران و اسرائیل می‌باشد (Trenin, 2018: 26-27).

در ادامه به عواملی که به روسیه کمک می‌کند بتواند روابط خود را هم با ایران هم با اسرائیل ادامه بدهد می‌پردازیم: عامل اول که در مثلث روسیه \_ ایران \_ اسرائیل وجود دارد این است که علی‌رغم اختلافات فراوان، یک علاقه مشترک بین این سه و حتی غرب و کشورهای عربی منطقه وجود دارد و آن مبارزه با جهادگران افراطی اهل سنت است. این نیروها که شامل القاعده و داعش هستند نه تنها ضد اسرائیلی و ضد شیعه هستند که ضد روس‌ها نیز هستند. اسرائیل از زمان پایان جنگ اعراب در سال ۱۹۷۳، از رژیم اسد به خاطر کنترل مرزهای سوریه و اسرائیل حمایت کرده است و به همین دلیل از حمایت روسیه و ایران از بشار اسد موافقت کرد؛ زیرا سقوط اسد منجر به روی کار آمدن جهادگران سنی می‌شد.

عامل دیگر اینکه، ایران علی‌رغم نارضایتی از نزدیکی روسیه و اسرائیل، با توجه به اینکه به سامانه‌های موشکی پدافند هوایی روسیه برای مقابله با حملات احتمالی اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای و نظامی خود نیاز دارد و همچنین نمی‌خواهد انگیزه روسیه برای حمایت از منافع ایران در عرصه بین‌الملل کاسته

شود؛ لذا مخالفت چندانی نمی‌کند. به همین ترتیب اسرائیل نیز نمی‌تواند روسیه را به کاهش همکاری با روسیه به دلیل نزدیکی مسکو با تهران کند؛ زیرا این امر ممکن است منجر به حمایت روسیه از تهران و به تبع آن حزب‌الله لبنان شود. در این بین مسکو به خوبی از اهرمی که در نتیجه روابطش با دیگران در اختیار دارد، آگاه است.

### نتیجه‌گیری

پس از فروپاشی شوروی، فدراسیون روسیه با توجه به مشکلات مالی و مسائل داخلی عدیده‌ای که با آن دست به‌گریبان بود و با توجه به سیاست غالب در آن دوره که روسیه را بخشی از غرب در نظر می‌انگاشت و بردار سیاست خارجی این کشور را به سمت غرب قرار داده بود، از توجه به خاورمیانه و فرصت‌های بسیاری که در این منطقه برای روسیه وجود داشت بازماند. با روی کار آمدن پوتین در سال ۲۰۰۰ م. و اتخاذ سیاست موازنه‌سازی میان بازیگران بین‌المللی، سیاست خارجی روسیه در قبال کشورهای این منطقه تغییر کرد. در همین راستا روابط روسیه با اسرائیل نیز دچار تحول و چرخش قابل توجهی شد و روسیه و اسرائیل بعد از حدود چهار سال، در صدد ترمیم سطح روابط برآمدند. عوامل مختلفی همچون عدم انتقاد اسرائیل از اقدامات کرملین در چین و اوکراین، عدم پیوستن اسرائیل به تحریم‌های غرب علیه روسیه و توسعه روابط تجاری - اقتصادی در خاورمیانه باعث سوق دادن پوتین به گسترش رابطه با اسرائیل به‌خصوص در سال‌های اولیه ریاست جمهوری وی شدند.

بررسی روابط روسیه و اسرائیل از جنبه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، نظامی و اقتصادی نشان می‌دهد روابط این دو هرچند ضعیف، اما رو به گسترش با سرعت اندک است. مهم‌ترین بُعد روابط اسرائیل و روسیه پیوندهای فرهنگی به واسطه حضور میلیونی روس‌زبانان اسرائیلی در خاک اسرائیل است. روابط سیاسی و دیپلماتیکی این دو با سفر پوتین به تل‌آویو پس از حدود نیم‌قرن دگرگون شد. روسیه و به‌خصوص شخص پوتین با توجه به دستاوردهای رابطه با اسرائیل به‌عنوان مهم‌ترین حامی غرب در خاورمیانه تلاش نمود روابط خود را در راستای

منافع مشترک افزایش دهند. با وجود مناسبات گسترده فرهنگی، روابط اقتصادی و نظامی این دو وضعیت مناسبی ندارند. روابط تجاری محدود به تجارت مواد اولیه است و تجارت کالاهای مبتنی بر تکنولوژی به دلیل الگوی سیاست خارجی اسرائیل به صورت بسیار محدودی انجام می‌شود. روابط نظامی نیز به دلیل وابستگی شدید صنایع نظامی اسرائیل به آمریکا ضعیف‌ترین رابطه بین اسرائیل و روسیه است.

با وجود تلاش‌های بسیار برای گسترش روابط دوجانبه، وجود موضوعات مهم استراتژیک همچون مسئله ایران، سوریه و فلسطین، مانع گسترش این روابط شده است. علاوه بر این با توجه به نزدیکی بسیار اسرائیل با آمریکا به‌عنوان بزرگترین دشمن روسیه از یک‌سو و همکاری روسیه با ایران به‌عنوان مهم‌ترین عامل ضد امنیت اسرائیل از سوی دیگر، باعث پیچیده شدن روابط روسیه و اسرائیل شده است؛ زیرا هر یک رابطه نزدیکی با دشمن دیگری دارند که در نتیجه این عوامل طرفین تلاش نموده‌اند با حفظ چهارچوب روابط و با هماهنگی کافی برای جلوگیری از مسائلی که به این روابط لطمه وارد می‌کنند تا حد امکان این روابط را گسترش دهند. مروری گذرا بر آمار و ارقام مبادلات تجاری و مناسبات اقتصادی دو طرف حاکی از آن است که این روابط در آینده نزدیک علی‌رغم همه مناسبات دوجانبه و ظرفیت‌های محتمل، به دلایل عدیده امکان توسعه گسترده را ندارد و از این جهت، چندان تهدیدی، متوجه جمهوری اسلامی نخواهد بود.

### پی‌نوشت

ابوالحسن شیرازی، حبیب‌اله و قدرت‌اله بهبودی‌نژاد (۱۳۹۵). «تغییر رویکرد پوتین در سیاست خارجی نوین روسیه». *مطالعات اوراسیای مرکزی*. د. ۹. ش. ۱. صص ۱-۱۷. اتاق‌بازرگانی تهران (۱۳۹۸). *لیست کد تعرفه کالا*. تهران.

باقی مجرد، مهدی؛ وثوقی، سعید و ابراهیمی، شهرزاد (۱۳۹۶). «بررسی و تبیین رابطه روسیه و آمریکا بر اساس نظریه نئورئالیسم». *راهبرد سیاسی*. س. ۱. ش. ۳. صص ۱-۲۰.

حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۷۸). «مفهوم‌سازی‌های دولت در نظریه روابط بین‌الملل با تأکید بر دیدگاه رابرت کاکس». *اطلاعات سیاسی اقتصادی*. ش. ۱۴۵. صص ۱۱۶-۱۲۳.

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و مجتبی عزیزی بساطی (۱۳۹۷). «توانمندی موشکی در سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا (۲۰۰۱-۲۰۱۸)». *سیاست دفاعی*. د. ۲۶. ش. ۱۰۳. صص ۸۹-۱۲۱.

رسانه صهیونیستی: چهار پرتابگر سامانه «اس-۳۰۰» در سوریه به‌طور کامل مستقر شدند (۱۳۹۸).

Alalamtv. [Press release]. Retrieved from <https://fa.alalamtv.net/news/4299686>

سند تدبیر سیاست خارجی روسیه مصوب ۲۰۱۶ (۲۰۱۶). ترجمه: مرکز مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس).

عزیزی، حمیدرضا و مصطفی نجفی (۱۳۹۶). «آینده شراکت ایران و روسیه در بحران سوریه». *رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*. پ. ۵۲. صص ۶۷-۹۵.

قوام، سید عبدالعلی (۱۳۸۶). *روابط بین‌الملل؛ نظریه‌ها و رویکردها*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).

کریمی، جهانگیر و سامان فاضلی (۱۳۹۷). «ژئوپلیتیک دریایی و سیاست خارجی روسیه در بحران‌های اوکراین و سوریه». *مطالعات اوراسیای مرکزی*. ش. ۱۱. د. ۱. صص ۱۹۷-۲۱۴.

کولائی، الهه (۱۳۸۱). «توسعه روابط فدراسیون روسیه و اسرائیل (با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران)». *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*. د. ۵۷. پ. ۵۰۸. صص ۱-۱۱.



- محمدخانی، علی رضا (۱۳۸۸). «تبیین رویکرد نو واقع‌گرایی در روابط بین‌الملل». *مطالعات سیاسی*. ش ۳. صص ۸۳-۱۰۰.
- موسوی، سید حامد و امین نایینی (۱۳۹۸). «توسعه روابط روسیه \_ اسرائیل و تأثیر آن بر منافع ایران». *فصلنامه سیاست*. د ۴۹. ش ۲. صص ۴۹۵-۵۱۴.
- Alamailes, A. & Yurtsever, S. (2018). Syrian crisis in scope of the US-Russian competition in Middle East. *International Journal of Entrepreneurship and Management Inquiries*, 2(3), 33-48.
- Blank, S. (2018). Russia and Israel: Friends with Benefits. *The Hill*. Retrieved from <https://thehill.com/opinion/international/388217>
- Borshchevskaya, A. (2018). 8. The Tactical Side of Russia's Arms Sales to the Middle East. *RUSSIA IN THE*, 183. Retrieved from <https://www.washingtoninstitute.org/>
- Central Bureau of Statistics. (2019). *Monthly Bulletin of Statistics*. Central Bureau of Statistics. Retrieved from [www.cbs.gov.il](http://www.cbs.gov.il)
- Daigle, C. (2012). *The Limits of Détente: The United States, the Soviet Union, and the Arab-Israeli Conflict, 1969-1973*. Yale University Press.
- Dentice, G. (2019). *Israel's Foreign Policy: No Change in Sight*. Retrieved from Milan: [www.ispionline.it](http://www.ispionline.it)
- Facon, I. (2017). Russia's national security strategy and military doctrine and their implications for the EU. *Recuperado el*, 6.
- France24. (2019). Israel's Netanyahu: security hawk who has served record term [Press release]. Retrieved from <https://www.france24.com/en/20191121>
- Gaub, F. & Popescu, N. (2018). The Soviet Union in the Middle East: an overview. In *Russia's return to the Middle East, Building sandcastles?* (123). Paris: European Union Institute for Security Studies.
- Giuli, M. (2017). Russia's nuclear energy diplomacy in the Middle East: why the EU should take notice. EPC Policy Brief, 21 February 2017. Retrieved from <http://www.epc.eu/en/Publications/Russias-nuclear-energy-diplom~2093d8>
- Goldberg, G. (1991). Ben-Gurion and Jewish Foreign Policy. *Jewish Political Studies Review*, 91-101.
- Greenberg, R. (2014). An Israeli community in Moscow. Retrieved from <http://lubavitch.com/news/article/2030745>

- Harris, E. (2014). Why Israel Is Staying On The Sidelines In Ukraine Crisis. Retrieved from <https://www.npr.org/2014/04/17/304186891>
- Hilsman, P. (2019). How Israeli-Designed Drones Became Russia's Eyes in the Sky for Defending Bashar al-Assad. Retrieved from [theintercept.com](http://theintercept.com)
- Hiltermann, J. (2018). Russia can Keep the Peace between Israel and Iran. *The Atlantic, February 13th*.
- Iserman, R. (1966). Ministry of Foreign Affairs Information Department, 'Some Aspects of Israel's Foreign Policy and the GDR's Position Toward Israel'
- Israel Ministry of Foreign Affairs. (2019). Israel's diplomatic missions abroad: Status of relations.
- Kabalan, M. (2012). Russia and Israel identify common interests. Retrieved from <https://gulfnews.com/opinion/op-eds/russia-and-israel-identify-common-interests-1.1041794>
- Katz, M. (2018). Russia and Israel: an improbable friendship In S. S. Nicu Popescu (Ed.), *Russia's return to the Middle East; building sandcastle?* (Vol. 1, pp. 103). Paris: European Union institute for security studies.
- Kozhanov, N. (2018). *Russian policy across the Middle East: Motivations and methods*. Chatham House. Retrieved from <https://www.chathamhouse.org/publication/russian-policy-across-middle-east-motivations-and-methods>
- Krasna, J. (2018). Israel and the Gulf States: Some Things Change, Some Stay the Same. Retrieved from <https://www.fpri.org/article/2018/11/israel-and-the-gulf-states-some-things-change-some-stay-the-same/>
- Krasna, J. (2018). Moscow on the Mediterranean: Russia and Israel's Relationship. *Russia Foreign Policy Papers*.
- Krichevsky, L. (2005). What's behind Putin's visit to Israel *Jewish Telegraphic Agency*.
- Lerman, E. (2018). *Israel's Remarkable Diplomatic Achievements in 2017*. Retrieved from <https://jiss.org.il/en/lerman-israels-remarkable-diplomatic-achievements-in-2017/>
- Lund, A. (2019). Russia in the Middle East. *The Swedish Institute of International Affairs Utrikespolitiska institutet Paper*, (2), 42-44. Retrieved from [ui.se](http://ui.se)
- Magen, Z., & Karasova, T. Russian and Israeli Outlooks on Current

Developments in the Middle East.

- Mammadov, R. (2018). 9. Russia in the Middle East: Energy Forever?. *RUSSIA IN THE*, 212. Retrieved from <https://jamestown.org/program/russia-middle-east-energy-forever/>
- Nurieva, G. (2017). Natural Gas Factor in the Israel-Turkey-Russia 'Energy Triangle'. *Turkish Journal of Middle Eastern Studies*, 4(1), 103-131.
- Ravid, B. (2014). US Officials Angry: Israel Doesn't Back Stance on Russia. Haaretz. Retrieved from: <https://www.haaretz.com/.premium-us-angry-at-israel-for-silence-on-ukraine-1.5244919>.
- Razoux, P. (2008). *Keys to understanding the Israel-Russia relationship*. NATO Defense College.. Retrieved from Research Division - NATO Defense College: [www.ndc.nato.int](http://www.ndc.nato.int)
- Rodman, D. (2001). Israel's national security doctrine: An introductory overview. *Middle East Review of International Affairs*, 5(3), 71-86. Retrieved from <http://www.mafhoum.com/press2/66P5.htm>
- Russell, M. (2018). Russia in the Middle East—From sidelines to centre stage. *Brussels: European Parliamentary Research Service (EPRS) PE, 630*. Retrieved from [sipri.org](http://sipri.org)
- SIPRI. (2019b). *TIV of arms exports from Russia, 1991-2018*. Retrieved from [sipri.org](http://sipri.org)
- Sladden, J., Wasser, B., Connable, B., & Grand-Clement, S. (2017). Russian strategy in the Middle East.
- Staff, T. (2020). This crime had accomplices': Full text of Putin's World Holocaust Forum speech. *The Times of Israel*. Retrieved from <https://www.timesofisrael.com/>
- Trademap. (2020). Bilateral trade between Russian Federation and Israel.
- Trenin, D. (2018). What Drives Russia's Policy in the Middle East?. *Russia's Return to the Middle East*, 21.
- Valdai C. (2012). Russian-Israeli Relations Under the Microscope. Retrieved from [valdaiclub.com/a/highlights/russian\\_israeli\\_relations\\_under\\_the\\_microscope](http://valdaiclub.com/a/highlights/russian_israeli_relations_under_the_microscope)
- Вахшитех, Н. (2018). Политика России на Ближнем Востоке в контексте кризиса в Сирии: вызовы и возможности. *Вестник Российского университета дружбы народов. Серия: Политология*, 20(1).
- ЕАЭС. (2018). *факты и цифры*. Retrieved from <http://www.eaeunion>.

org/?lang=ru

- МИД. (2019). *Двусторонние договоры*. Москва: МИД Retrieved from [http://www.mid.ru/foreign\\_policy/international\\_contracts/international\\_contracts](http://www.mid.ru/foreign_policy/international_contracts/international_contracts)
- Носенко, Т. В. (2016). ПОЛИТИКА СССР И США ПО ВОПРОСУ СОЗДАНИЯ ГОСУДАРСТВА ИЗРАИЛЬ (1945–1948) *Международные отношения и мировая политика.*, 2(25), 35.
- Рыжов, И., & Тоцкая, Е. J. В. Н. у. и. Н. Л. (2016). Анализ политики России на Ближнем Востоке в 2000-2015 гг. в работах российских исследователей. (4).
- Эпштейн, Алек Д., & Кожеуров, Станислав (2011). *РОССИЯ И ИЗРАИЛЬ: трудный путь навстречу* (Vol. 1). МОСКВА: ИНСТИТУТ БЛИЖНЕГО ВОСТОКА.
- РИА Новости. (2019). Межгосударственные отношения России и Израиля [Press release]. Retrieved from <https://ria.ru/20190912/1558564519.html>